



سه بحرانی که در عصر امام صادق(ع) اسلام را تهدید می‌کرد

امام صادق(علیه السلام) برای حل بحران سیاسی عصر خویش، شروع به کادرسازی می‌کند و تشکیلاتی را بنا می‌سازد. ایشان به راستی مرد مبارزه، مرد علم و دانش و مرد تشکیلات بود.

امام صادق(علیه السلام) برای حل بحران سیاسی عصر خویش، شروع به کادرسازی می‌کند و تشکیلاتی را بنا می‌سازد. ایشان به راستی مرد مبارزه، مرد علم و دانش و مرد تشکیلات بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، دوران امامت ششمین پیشوای صادق شیعیان، یکی از پر فراز و نشیب ترین ادوار تاریخ اسلام بود که مطالعه و بررسی آن می‌تواند ابعاد جدیدی از مقوله و مفهوم امامت و ولایت را در ذهن علاقه مندان به ایشان روشن سازد. با بررسی تاریخی عصر امام صادق(علیه السلام) با سه بحران که جامعه اسلام را تهدید می‌کرد و درصدد از بین بردن اسلام ناب محمدی بود برمی‌خوریم. از سویی «بحران اعتقادی» و سیل شبهات و مطرح شدن مباحث فلسفی و سوالاتی که ناشی از نفوذ و گسترش اسلام در دیگر کشورها بود و از طرفی «توطئه شیفتگان قدرت» و تحرکات پیاپی آنها با شعار خونخواهی امام حسین (علیه السلام) و دست آخر هم «بحران سیاسی» که مربوط به دوران تزلزل حکومت بنی امیه که ناشی از بی کفایتی خلفا بود و همچنین فزونی قدرت بنی عباس که به نام اهل بیت و خاندان پیغمبر و به کام خود روی کار آمده بودند.

فضای جامعه اسلامی به قدری ملتهب بود که دیگر هیچ کسی نمی‌توانست آن را حتی به ظاهر هم التیام بخشد. در این بین امام صادق(علیه السلام) این سه تهدید را با سختی و مبارزه به فرصتی دوباره برای شکوفایی اسلام تبدیل کرد. ایشان «بحران اعتقادی» را با برپایی جلسات علمی متعدد و کرسیهای آزاداندیشی و جهت دهی به این محافل، عرصه را به سوی معارف ناب اسلامی سوق داد و با تربیت شاگردانی که مورخین آنها را بالغ بر چهار هزار نفر دانستند[۱]، لشکر علم و دانش را به جنگ با ملحدان و شبهه پراکنانی که قصد براندازی اسلام را داشتند فرستاد.

همچنین برای خنثی سازی «توطئه شیفتگان قدرت» که در پوشش شعار طرفداری از خاندان پیامبر(ص) و گرفتن انتقام خون آنان برای جنگ و قیام مسلحانه حرکت می‌کردند، با برخورد قاطع و روشن، اعلام برائت می‌کردند. به طور مثال فرستاده ابتدا نامه را به حضرت صادق داد (هنگام شب بود) و بعد به عبدالله محض. عکس العمل این دو نفر سخت مختلف بود. وقتی نامه را به حضرت صادق(ع) داد گفت: من این نامه را از طرف شیعه شما ابوسلمه برای شما آورده ام. حضرت فرمود: ابوسلمه شیعه من نیست. گفت: به هر حال نامه ای است، تقاضای جواب دارد. فرمود چراغ بیاورید. چراغ آوردند. نامه را نخواند، در حضور او جلوی چراغ گرفت و سوزاند، فرمود: به رفیقت بگو جوابت این است و بعد حضرت این شعر را خواند:

ایا موقداً ناراً لغيرک ضوءها

و یا حاطباً فی غیر حَبْلک تحطب

یعنی ای کسی که آتش می افروزی که روشنی اش از آن دیگری باشد

ای کسی که در صحرا هیزم جمع می کنی و در یکجا می ریزی، خیال می کنی روی ریسمان خودت ریخته ای؛

کنایه از اینکه نمی دانی هرچه هیزم جمع کرده ای روی ریسمان دیگری ریخته ای و بعد او می آید محصول هیزم تو را جمع می کند. [۲]

امام صادق(علیه السلام) اما در حوزه «بحران سیاسی» عصر خویش شروع به کادرسازی می‌کند و تشکیلاتی را بنا می‌سازد. ایشان به راستی مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود. امام صادق(ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی این که وقتی امام صادق(ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بدانند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق(ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. [۳]

نقطه مشترک در برطرف کردن سه بحرانی که ذکر شد مطرح کردن مسئله امامت است. ایشان در محافل مختلف مفهوم ولایت را تبیین و مردم را به پیروی از نهاد امامت دعوت می کرد. گویا هدف از بنای تشکیلات عظیمی که سراسر جهان اسلام را در بر می گرفت و به آن اشراف داشت؛ دعوت به مقوله مترقی «ولایت» بود.

روایت «عمرو بن ابیالمقدام» منظره شگفت‌آوری را ترسیم می‌کند: روز نهم ذیحجه روز عرفه است. محشری از خلایق در عرفات برای ادای مراسم خاص آن روز گردآمده‌اند و نمایندگان طبیعی مردم سراسر مناطق مسلمان‌نشین، از اقصای خراسان تا ساحل مدیترانه، جمع شده‌اند. یک کلمه حرف به‌جا در اینجا می‌تواند کار گسترده‌ترین شبکه‌ی وسایل ارتباط‌جمعی را در آن زمان بکند. امام، خود را به این جمع رسانده است و پیامی دارد. می‌گوید: دیدم امام در میان مردم ایستاد و با صدای هر چه بلندتر با فریادی که باید در همه‌جا و در همه‌ی گوش‌ها طنین بی‌افکند و به‌وسیله‌ی شنوندگان به سراسر دنیای اسلام پخش شود پیام خود را سه مرتبه گفت. روی را به طرف دیگری گرداند و سه مرتبه همان سخن را ادا کرد. باز روی را به سمتی دیگر گرداند و باز همان فریاد و همان پیام. و بدین ترتیب امام دوازده مرتبه سخن خود را تکرار کرد. این پیام با این عبارات ادا می‌شد: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ الْإِمَامَ - ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) ثُمَّ الْحَسَنُ (ع) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (ع) - ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) ثُمَّ ... » [۴]

حدیث دیگر از ابی‌الصباح کنانی است که در آن، امام صادق(ع) خود و دیگر امامان شیعه را چنین توصیف می‌کند: «ما کسانی هستیم که خدا اطاعت ما را بر مردم لازم ساخته است. انفال و صفوالمال در اختیار ماست». [۵] تاکید بر مساله امامت در همه زمینه‌ها می‌تواند ذهن‌های خفته را بیدار و قلب‌های تاریک را جلا دهد و این همان کلیدی است که مومنین در تشکیلات‌های کوچک و کلان جبهه فرهنگی نباید از آن غافل شوند.

نویسنده: حجت الاسلام میلاد عچرش

پی نوشتها:

[۱] مفید، الإرشاد، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱.

[۲] سیری در سیره ائمه اطهار (نوشته استاد شهید مطهری) صفحه ۱۰۵ - ۱۱۵

[۳] بیانات رهبر معظم انقلاب؛ امام خامنه ای ۱۳۵۹/۶/۱۴

[۴] مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۵۸

[۵] کلینی، اصول کافی ج ۱ ص ۵۴۶ (نَحْنُ أَقْوَامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَقُ الْمَالِ...)